سه شنبه 2/11/1403-20رجب 1446-21ژانویه 2025-درس 79 فقه رهبری سازمانی –شرائط و موانع اثر بخشی-توکل وضد آن حرص –الزامات حرص

مساله 69: مدیران در مقاوم ادای وظیفه رهبری رفتاری سازمانی باید قوه حرص را در خود مدیریت کنند و از این نیرو و سخت کوشی در راه هدایت کارکنان به سمت تعالی بهره گیرند و از حرص وتلاش بیحد برای جمع مال و طولانی شدن تصدی مسند خود اجتناب نمایند

***شرح مساله***: معلوم شد که رهبری سازمانی از وظائف اصلی و شاید اصلی ترین وظیفه اوست که با هدایت عالمانه و نفوذ عادلانه و عاقلانه به غرض ایجاد انگیزش کارکنان اتفاق میشود. معلوم شد که تلبس به جنودعقل شرط اصلی و اتصاف به جنود جهل مانع اصلی اثر بخشی این فریضه خطیر و این تکلیف شریف است. جنودی مانند صداقت ،امانت ،تانی ،رجاء و اخیرا طمع، شرائط استنباط شده هستند که تا به حال مورد بررسی قرار گرفتند و نیز اضداد آنها کذب،خیانت،تسرع، قنوط و اخیرا یاس . روشن شد که طمع به معنای امید است با این تعریف اصطلاحی لغوی :" تعلیق النفس بما تظنه من النفع نظیر الرجاء و الامل و نقیضه الیاس." طمع سلاحی است و سوختی برای ارتقاء و رفعت است به درجات عالیه و مقامات رفیعه مدنی دینی سیاسی اداری . که هوش های سفید و سیاه هر دو طمع دارند هر نوع ارتفاع را و دلبسته شدن به منافعی که مورد ظن نفس هستند . طمع به قدرت از قوه واهمه و طمع به مال و رفاه از قوه شهویه محسوب میشود .طمع در صورتیکه تحت ولایت و مدیریت عقل قرار گیرند ودر جند عقل پذیرش شوند اشخاص حقیقی و حقوقی را طامع و امیدوار مثبت قرار میدهد و شرط اثر بخشی وظیفه رهبری سازمانی مدیر محسوب میشود وا گر در پادگان و ناوگان جهل قرار گیرند و با مدیریت جهل اعمال شوند از موانع اثر بخشی رهبری رفتاری سازمانی مدیران شمرده میشوند . مدیری که طمع مثبت دارد دائما به نیل به قلل پیشرفت میاندیشد وفعال است خود وسازمان و کارکنان خود را اوج میدهد . به شرطی که فقط به ماعندالله طمع داشته باشد نه بما عند الناس .

مساله حرص هم از همین مقوله است یعنی از جنود جهل است و اگر حرص در هدایت مردم و در علم و.. باشد مثبت است لظهور قوله تعالی :" حریص علیکم " و" واطلاق "ما اکثر الناس ولو حرصت بمومنین" :" وعموم "ان تحرص علی هدیهم فان الله لا یهدی من یضل"[[1]](#footnote-1) و در مقابل حرص بر دنیا و عمر است[[2]](#footnote-2).و باری هم به معنای کوشش مطلق یا سخت کوشی است[[3]](#footnote-3). حرص همان طور که در قرآن به دو معنای مثبت و منفی به کار رفته بود در اخبار هم همین طور است مثبت مانند : قوله ع فی وصف المتقین :" حرصا فی علم" و در مقابل و حرص به دنیا و اندوختن آن که در کهولت بیش تر جلوه میکند[[4]](#footnote-4) حریص در مقابل شرور و ناملائمات جزوع و بی تاب و شکننده است و وقتی به خیر و دارندگی و رفاه میرسد منوع میشود یعنی خیرش به کارکنان و پیروان و اطرافیان نمیرسد تنها خور است در هردو حالت جزوع و منوع بودن که ناشی از هلوع[[5]](#footnote-5) بودن وحریص بودن است برای مدیریت مفید نیست نه در بحران ووتهدید سازمانی مقاوم وتاب آور است و نه در مقام فرصت ها و آوردها مفید و دیگر خواه و باذل خیر و نفع است یعنی فقط به اهداف خودش یرسد نه جمع ومجموعه این مشکلات حریص است که از ابعاد منفی حرص است که شرط را به مانع اثر بخشی رهبری بدل میکند جمع[[6]](#footnote-6) بین دو طائفه آیات و روایات به این است که حرص به معنای سخت کوشی و به شدت خواهی است که مثل طمع مثبت و منفی دارد برای مدیر راهبر خوب است که مثل پیامبر اعظم حریص بر هدایت کارکنان وتابعان خود باشد و نگران نتیجه نباشد تلاش حریصانه را در این جهت انجام دهد تاثیر خود را در اهل زمینه و استعداد میگذارد و آنها را بر می انگیزاند و نباید حرص، بر مال و عمر باشد که در خود فرورفتن است و بیش ترین ذلت[[7]](#footnote-7) را می آورد و مفتاح کل التعب است سختی بیهوده می آورد و نفرت آورو مانع اثر بخشی است انسان را مرتبا نیازمند به جمع کردن برای جمع کردن نه خرج خود و خیر کردن میشود ، گرد خود مثل کرم ابریشم پیله میزند به گونه ای که خروج از این گرداب خودساخته برایش مشکل میشود افسردگی می آورد تا لحظه مرگ قطعا مدیر حریص به این معنا کسی را نمیتواند هدایت کند و انگیزش دهد این حرص ناشی از خود خواهی و در خود فرو رفتن است و کارکنان را هم در خود فرو میبرد تا به فکر دیگران و مشتریان و مشترکان.[[8]](#footnote-8) و مقابل این معنا از حرص که از جنود جهل است امام صادق ع توکل را قرار میدهد که در نوبت بعد به تفقه در آن می پردازیم ان شاءالله.

 ***فتحصل*** : که مدیران در مقاوم ادای وظیفه رهبری رفتاری سازمانی باید قوه حرص را در خود مدیریت کنند و از این نیرو و سخت کوشی در راه هدایت کارکنان به سمت تعالی بهره گیرند و از حرص وتلاش بیحد برای جمع مال و طولانی شدن تصدی مسند خود اجتناب نمایند . (والله العالم)

1. التوبة : 128 لَقَدْ جاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزيزٌ عَلَيْهِ ما عَنِتُّمْ حَريصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنينَ رَؤُفٌ رَحيمٌ

يوسف : 103 وَ ما أَكْثَرُ النَّاسِ وَ لَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنينَ

النحل : 37 إِنْ تَحْرِصْ عَلى‏ هُداهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لا يَهْدي مَنْ يُضِلُّ وَ ما لَهُمْ مِنْ ناصِرينَ [↑](#footnote-ref-1)
2. *البقرة : 96 وَ لَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلى‏ حَياةٍ وَ مِنَ الَّذينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرُ أَلْفَ سَنَةٍ وَ ما هُوَ بِمُزَحْزِحِهِ مِنَ الْعَذابِ* أَنْ يُعَمَّرَ وَ اللَّهُ بَصيرٌ بِما يَعْمَلُونَ [↑](#footnote-ref-2)
3. النساء : 129 وَ لَنْ تَسْتَطيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّساءِ وَ لَوْ حَرَصْتُمْ فَلا تَميلُوا كُلَّ الْمَيْلِ فَتَذَرُوها كَالْمُعَلَّقَةِ وَ إِنْ تُصْلِحُوا وَ تَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كانَ غَفُوراً رَحيماً شما هرگز نمى‏توانيد (از نظر محبّت قلبى) در ميان زنان، عدالت برقرار كنيد، هر چند كوشش نماييد! ولى تمايل خود را بكلّى متوجّه يك طرف نسازيد كه ديگرى را بصورت زنى كه شوهرش را از دست داده درآوريد! و اگر راه صلاح و پرهيزگارى پيش گيريد، خداوند آمرزنده و مهربان است.

شاید حامل این درس باشد که عدالت سازمانی مطلق تکلیف مالایطاق است مخصوصا عدالت مراوده ای که در رهبری رفتاری سازمانی ،مطلوب است ولی نمیتوان و قدرتش نیست که با همه کارکنان یک جور رفتار شود هر جند حرص وسخت کوشی اعمال شود از سوی مدیر راهبر ولی این به معنای عدم عدالت نیست بلکه نباید به سوی نخبگان و بهتران به طور کلی متمایل شد باید به حرص و کوشش ادامه داد در حد توان و از افراط و تفریط پرهیز نمود این جمله معترضه بود که پایان یافت حال به اصل مطلب بر میگردیم [↑](#footnote-ref-3)
4. حضرت ‏‏رسول‏‏ ـ صلّی اللّه علیه و آله ـ: «پیر می شود پسر آدم و دو خصلت در او جوان شود: حرص بر مال و‏‎ ‎‏حرص بر عمر».‏ مستدرک الوسائل، ج 12، ص 59، باب 64، از ابواب جهاد النفس، ح 2. [↑](#footnote-ref-4)
5. [سوره المعارج (70): آيات 19 تا 28]إِنَّ الْإِنْسانَ خُلِقَ هَلُوعاً (19) إِذا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً (20) وَ إِذا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً (21) - انسان حريص و كم طاقت آفريده شده- هنگامى كه بدى به او رسد بيتابى مى‏كند.- و هنگامى كه خوبى به او رسد مانع ديگران مى‏شود.

جمعى از مفسران و ارباب لغت" هلوع" را به معنى حريص و جمعى به معنى" كم طاقت" تفسير كرده‏اند، بنا بر تفسير اول در اينجا به سه نكته منفى اخلاقى در وجود اينگونه انسانها اشاره شده،" حرص" و" جزع" و" بخل" و بنا بر تفسير دوم به دو نكته" جزع" و" بخل" زيرا آيه دوم و سوم تفسيرى است براى معنى (هلوع).اين احتمال نيز وجود دارد كه هر دو معنى در اين واژه جمع باشد، چرا كه اين دو وصف لازم و ملزوم يكديگرند، آدمهاى حريص غالبا بخيلند، و در برابر حوادث سوء كم تحمل، و عكس آن نيز صادق است. (تفسیر نمونه) [↑](#footnote-ref-5)
6. تفسیر نمونه، ج‏25، ص: 29پاسخ همه اين سؤالات با توجه به يك نكته روشن مى‏شود، و آن اين است كه خداوند نيروها و غرائز و صفاتى در انسان آفريده است كه اينها بالقوه وسيله تكامل و ترقى و سعادت او محسوب مى‏شوند، بنا بر اين صفات و غرائز مزبور ذاتا بد نيست، بلكه وسيله كمال است، اما هنگامى كه همين صفات در مسير انحرافى قرار گيرد، و از آن سوء استفاده شود، مايه نكبت و بدبختى و شر و فساد خواهد بود.فى المثل همين حرص نيرويى است كه به انسان اجازه نمى‏دهد به زودى از تلاش و كوشش بازايستد، و با رسيدن به نعمتى سير شود، اين يك عطش سوزان است كه بر وجود انسان مسلط است، اگر اين صفت در مسير تحصيل علم و دانش به كار افتد، و انسان حريص در علم و يا به تعبير ديگر تشنه و عاشق بى‏قرار علم باشد، مسلما مايه كمال او است، اما اگر آن در مسير ماديات به كار افتد مايه شر و بدبختى و بخل مى‏گردد.

به تعبير ديگر: اين صفت شاخه‏اى از حب ذات است، و مى‏دانيم حب ذات چيزى است كه انسان را به سوى كمال مى‏فرستد، اما اگر در مسير انحرافى واقع شود به سوى انحصارطلبى، و بخل و حسد و مانند آن پيش مى‏رود.

در مورد مواهب ديگر نيز مطلب همين گونه است، خداوند قدرت عظيمى در دل اتم آفريده كه مسلما مفيد و سودمند است، ولى هر گاه از اين قدرت درونى اتم سوء استفاده شود و از آن بمبهاى ويرانگر بسازند، نه نيروگاههاى برق و وسائل صنعتى ديگر، اين مايه شر و فساد خواهد بود. [↑](#footnote-ref-6)
7. و از حضرت ‏‏امیر‏‏ ـ علیه السلام ـ منقول است که از او سوال شد: چه ذلّتی از‏‎ ‎‏هر چیز ذلّتش بیشتر است؟ فرمود: «حرص بر دنیا».‏[‎)) مستدرک الوسائل، ج 12، ص 59، باب 64، از ابواب جهاد النفس، ح 2.](http://www.imam-khomeini.ir/fa/c78_29073/%D8%B4%D8%B1%D8%AD_%D8%AD%D8%AF%DB%8C%D8%AB_%D8%AC%D9%86%D9%88%D8%AF_%D8%B9%D9%82%D9%84_%D9%88_%D8%AC%D9%87%D9%84/%D9%85%D9%82%D8%B5%D8%AF_%D9%86%D9%87%D9%85_%D8%AF%D8%B1_%C2%AB%D8%AA%D9%88%DA%A9%D9%84%C2%BB_%D8%A7%D8%B3%D8%AA_%D9%88_%D8%B6%D8%AF_%D8%A2%D9%86_%DA%A9%D9%87_%C2%AB%D8%AD%D8%B1%D8%B5%C2%BB_%D8%A7%D8%B3%D8%AA#footnote6)

‏‏وَ عَن ‏‏تُحَفِ العُقُولِ‏‏ عَن ‏‏امِیرِ المُؤمِنینَ ‏‏ـ عَلَیهِ السَّلامُ ـ انَّهُ قالَ فی وَصِیَّتِهِ‏‎ ‎‏لِلحُسَینِ ‏‏ـ عَلَیهِ السَّلامُ ـ :‏*«ای بُنَیَّ! الحِرصُ مِفتاحُ التَّعَبِ، وَ مَطِیَّةُ النَّصَبِ، وَ داعٍ الی التَّقَحُّمِ فِی‏‎ ‎‏الذُّنُوبِ. وَ الشَّرَهُ جامِعٌ لِمَساوی العُیُوبِ».)) حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در وصیّتش به امام حسین (علیه السلام) فرمودند: ای  فرزندم، آزمندی کلید رنج است و مَرکب سختی و موجبِ فرو افتادن در گناهان. و شکم بارگی در بردارندۀ همۀ عیوب و بدیها می باشد. (تحف العقول، ص 60).‏* همان مصدر و همان باب، ص 59، ح 4. حضرت امیرالمومنین علی (علیه السلام) در وصیّتش به امام حسین (علیه السلام) فرمودند: ای  فرزندم، آزمندی کلید رنج است و مَرکب سختی و موجبِ فرو افتادن در گناهان. و شکم بارگی در بردارندۀ همۀ عیوب و بدیها می باشد. (تحف العقول، ص 60). [↑](#footnote-ref-7)
8. الكافي (ط - الإسلامية) / ج‏2 / 134 / باب ذم الدنيا و الزهد فيها ..... ص : 128ضعیف (روضه المتقین :قوی کالصحیح) عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَحْيَى بْنِ عُقْبَةَ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع‏ مَثَلُ‏ الْحَرِيصِ‏ عَلَى الدُّنْيَا كَمَثَلِ دُودَةِ الْقَزِّ كُلَّمَا ازْدَادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَفّاً كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمّاً قَالَ وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كَانَ فِيمَا وَعَظَ بِهِ لُقْمَانُ ابْنَهُ يَا بُنَيَّ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا قَبْلَكَ لِأَوْلَادِهِمْ فَلَمْ يَبْقَ مَا جَمَعُوا وَ لَمْ يَبْقَ مَنْ جَمَعُوا لَهُ وَ إِنَّمَا أَنْتَ عَبْدٌ مُسْتَأْجَرٌ قَدْ امرت بعمل و وعدت عليه أجرا فاوف عملك و استوف أجرك و لا تكن في هذه الدنيا بمنزلة شاة وقعت في زرع أخضر فأكلت حتّى سمنت فكان حتفها عند سمنها و لكن اجعل الدّنيا بمنزلة قنطرة على نهر جزت عليها و تركتها و لم *ترجع إليها آخر الدّهر، أخربها و لا تعمرها. فإنّك لم تؤمر بعمارتها، و اعلم أنّك ستسأل غدا إذا وقفت بين يدي اللّه عزّ و جلّ عن أربع: شبابك فيما أبليته و عمرك فيما أفنيته و مالك ممّا اكتسبته و فيما أنفقته، فتأهّب لذلك و أعدّ له جوابا، و لا تأس على ما فاتك من الدّنيا، فإنّ قليل الدّنيا لا يدوم بقاؤه و كثيرها لا يؤمن بلاؤه، فخذ حذرك، و جدّ في أمرك و اكشف الغطاء عن وجهك و تعرّض لمعروف ربّك و جدّد* التوبة في قلبك و اكمش في فراغك قبل أن يقصد قصدك و يقضى قضاؤك و يحال بينك و بين ما تريد.

الكافي (ط - الإسلامية) / ج‏2 / 316 / باب حب الدنيا و الحرص عليها ..... ص : 315ضعیف

7- عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ يَحْيَى بْنِ عُقْبَةَ الْأَزْدِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع‏ مَثَلُ‏ الْحَرِيصِ‏ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ دُودَةِ الْقَزِّ كُلَّمَا ازْدَادَتْ مِنَ الْقَزِّ عَلَى نَفْسِهَا لَفّاً كَانَ أَبْعَدَ لَهَا مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمّاً وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع أَغْنَى الْغِنَى مَنْ لَمْ يَكُنْ لِلْحِرْصِ أَسِيراً وَ قَالَ لَا تُشْعِرُوا قُلُوبَكُمُ الِاشْتِغَالَ بِمَا قَدْ فَاتَ فَتَشْغَلُوا أَذْهَانَكُمْ عَنِ الِاسْتِعْدَادِ لِمَا لَمْ يَأْتِ.

روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة) / ج‏12 / 118 / وصايا النبي صلى الله عليه و آله لعلي عليه السلام ..... ص : 3و في القوي كالصحيح، عن يحيى بن عقبة الأزدي، عن أبي عبد الله عليه السلام قال قال أبو جعفر عليه السلام مثل‏ الحريص‏ على الدنيا.......

. [↑](#footnote-ref-8)